

جراحی

اپرای عشق و گوهر خیراندیش در «هفت شهر عشق»

● **گروه هنر:** گوهر خیراندیش در آخرین روزهای تمرین کنسرت- نمایش «هفت شهر عشق» به جمع بازیگران این نمایش پیوست. به گزارش هنرآتلاین، گوهر خیراندیش، پس از ۱۱ سال دوری از صحنه تئاتر به‌عنوان بازیگر نمایش- موسیقی «هفت شهر عشق» معرفی شد. خیراندیش در سال ۸۶ و با حضور در نمایش «ملاقات بانوی سالخورده» استاد حمید سمندریان آخرین تجربه تئاتر خود را روی صحنه برده و حضور در «هفت شهر عشق» بازگشت این بانوی سرشناس حوزه بازیگری پس از ۱۱ سال به صحنه خواهد بود. «هفت شهر عشق» از هشتم اسفند در سالن اسپیناس‌پالاس نخستین اجرای عمومی خود را روی صحنه خواهد برد و هفتم اسفند نیز مراسم خصوصی جشن آغاز این نمایش در همین سالن با حضور همه بازیگران و عوامل برگزار خواهد شد. محمد معتمدی و روزبه نعمت‌اللهی خوانندگان این کنسرت- نمایش هستند و محمدرضا عقیلی سربستی ارکستر بزرگ این اجرا را برعهده خواهد داشت.



ژاله صامتی، سیمیا تیرانداز، نسیم ادبی، شقایق فراهانی، ریحانه پارسا و روزبه بمانی بازیگران «هفت شهر عشق» هستند که «محمد حاتمى» نیز کارگردانی آن را برعهده خواهد داشت. «هفت شهر عشق» از اواخر این هفته در سالن اسپیناس‌پالاس روی صحنه خواهد رفت و بلیت‌فروشی روزهای جدید این اجرا در سایت ایران‌نمایش آغاز شده است.

آغاز اجرای عموم اپرای عروски «عشق»

● **گروه هنر:** اپرای عروски «عشق» دهمین اثر از گروه اپرای عروски آران، به سرپرستی، نویسندگی و کارگردانی بهروز غریب‌پور، از یکشنبه‌شب مورخ پنجم اسفند در سالن فردوسی، ساعت ۱۹:۳۰ اجراهای عموم خود را آغاز می‌کند. این اپرا بر اساس داستان شیخ صنعان عطار نیشابوری برای نخستین‌بار و به مناسبت سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر روی صحنه رفت. شورای کریمی، آهنگ‌ساز و علی پاکدست، مریم اقبالی، علی ابوالخیریان و قاسم رحمتی‌دستیاران این اپرا هستند. همچنین گروهی از هنرمندان تئاتر، به‌ویژه تئاتر عروски در این اثر به‌عنوان صحنه‌یاران و بازی‌دهندگان حضور دارند. اپرای «عشق» دهمین اثر از گروه اپرای عروски آران با مدیریت بهروز غریب‌پور است که در راستای بازشناسی بزرگان و قتل اندیشه و ادبیات ایران‌زمین نوشته شده و مانند آثار پیشین، موسیقی آن بر اساس دستگاه‌ها و ردیف‌های آوازی ایرانی برای تحقق هدف غایی این گروه و خلق اپرای ملی است. گفتنی است، پوستر این اپرا با طراحی آیرین غریب‌پور، تایوگرافی و خوشنویسی محمود وطن‌خواه و همچنین عکاسی احسان نقابت رونمایی شد. علاقه‌مندان برای تماشای اپرای عروски «عشق» می‌توانند از پنجم اسفندماه، هر شب ساعت ۱۹:۳۰ به تالار فردوسی بنیاد رودکی مراجعه و برای رزرو و تهیه بلیت به سایت تیوال مراجعه کنند.

اجرای عمومی «فیک» آغاز شد

● **گروه هنر:** نمایش «فیک» به کارگردانی احد خالقی یکشنبه پنجم اسفندماه در مرکز تئاتر مولوی به صحنه رفت.نمایش «فیک» به نویسندگی و کارگردانی احد خالقی، یکشنبه پنجم اسفندماه در ساعت ۲۰ در سالن اصلی مرکز تئاتر مولوی به صحنه رفت و به‌این‌ترتیب اجرای عموم خود را آغاز کرد. در این نمایش فرزاد باقری، آسیه سلطانی، زهرا شیروانی و علی نصیری‌پور به ایفای نقش می‌پردازند. در خلاصه نمایش این اثر آمده: چهار نفر در یک تولیدی پوشاک، درگیر فروش لباس هستند. علاقه‌مندان برای دیدن نمایش «فیک» که تا ۲۴ اسفندماه هر روز -به جز شنبه‌ها- در ساعت ۲۰ به صحنه می‌رود، می‌توانند به مرکز تئاتر مولوی دانشگاه تهران به آدرس خیابان انقلاب، خیابان ۱۶ آذر، جنب باشگاه دانشجویان، مرکز تئاتر مولوی مراجعه کنند.

برنامه اسفندماه پردیس تئاتر شهزاد

● **گروه هنر:** نمایش‌های «خاطره‌ای از دو دوشنبه» به کارگردانی سعید عسگریان، «ای بی» به کارگردانی پوریا رستمی، «هامان‌کشان» به کارگردانی علیرضا مهران و «بدون تماشاگر» به کارگردانی امیر اخوین عنوان نمایش‌هایی است که در ماه اسفند در پردیس شهزاد روی صحنه خواهند رفت.

گروه هنر: فیلم سینمایی «بی‌صدا» این روزها در گروه «هنر و تجربه» به حال اکران است و حسین شهابی، کارگردان، این فیلم را، هم اثری درباره بیماران مبتلا به سرطان می‌داند و هم فیلمی درباره بیماری سرطان؛ فیلمی که قصد دارد با عبور از سرطان به منزله یک بیماری جسمی به سرطان اجتماعی نیز اشاره کند. شهابی سرطان اجتماعی را به مثابه چیزی می‌داند که با بی‌توجهی یا بی‌تدبیری، به یک معضل بزرگ اجتماعی تبدیل شده است. این فیلم چهارمین ساخته سینمایی حسین شهابی است که در سال ۹۵ تولید شده و بعد از دو سال با تغییر نام از «دوران سرطانی» به «بی‌صدا» روی پرده رفته است. او علاوه‌بر کارگردانی، تهیه‌کنندگی

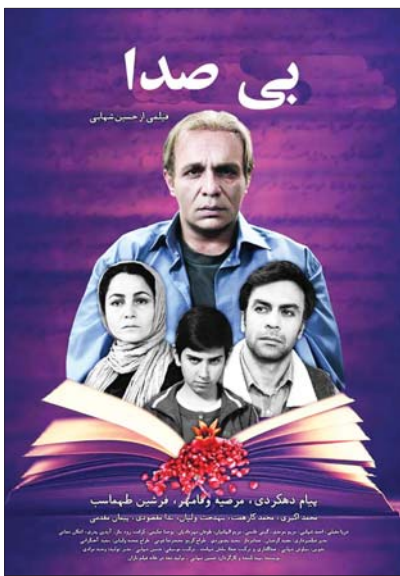
و نگارش فیلم‌نامه را نیز برعهده داشته است. این کارگردان که پیش از این فیلم‌هایی مانند «آزاد به قید شرط»، «روز روشن»، «جراح»، «به خاطر مهدی» و ... را ساخته، درباره آخرین فیلمش، «بی‌صدا»، با ما گفت‌وگو کرد.

«بی‌صدا» فیلمی برای بیماران مبتلا به سرطان است یا فیلمی درباره سرطان؟

درواقع این فیلم، هم برای بیماران و خانواده‌های افراد مبتلاست و هم درباره سرطان؛ از یک طرف مسائل و مشکلات بیماری سرطان را مورد توجه قرار داده و از سوی دیگر تلاش بر این بوده که با عبور از سرطان جسمی به سرطان اجتماعی اشاره شود. **کارمنظوران از «سرطان اجتماعی» چیست؟** هر آن چیزی که با بی‌توجهی یا بی‌تدبیری، تبدیل به یک معضل بزرگ اجتماعی می‌شود. مصداق‌های هرچند کوچکش را در خود فیلم می‌توانید مشاهده کنید.

کار به نظر می‌رسد تلاش برای اینکه بیماری سرطان در عین واقع‌نمایی، نامیدکننده به نظر نرسد، تبدیل به چالش برای شما شده که در فیلم می‌توان آن را کاملاً حس کرد. چگونه به یک جمع‌بندی نهایی نسبت به نحوه تصویرکردن این بیماری رسیدید؟

بله. این ماجرا چالش مهمی برایم بود. این بخش اساساً به فیلم‌نامه و جهان‌بینی نویسنده ربط دارد. اگر آدم تلخ‌اندیشی نباشید و درعین‌حال واقع‌بین باشید، تلخ‌ترین موضوعات هم از دید شما درست و قابل درک تصویر خواهند شد. این سؤال همیشه برای من در زندگی مهم بوده که اگر آمیدی در زندگی نیست، پس برای چه درباره آن صحبت می‌کنیم؟! و از آن بدتر، چرا اصلاً در مورد آن فیلم می‌سازیم؟! و اگر هست، امید که فقط اسم یک آدم نیست، باید آن را در تمام اجزای زندگی ببینیم؛ حتی در تلخ‌ترین اتفاقات. به نظر من غربی است، اما باورم این است آدم‌هایی که بیشتر از بقیه برای القای ناامیدی تلاش



می‌کنند، خودشان از همه امیدوارترند، اما تظاهر به چیز دیگری می‌کنند. شاید هم افسردگی با چاشنی ابزورد، روشنفکرانه‌تر به نظر می‌رسد!

کار اما نمی‌توان این‌را نادیده گرفت که واقعیت هم تلخ است!

به نظر من اینکه می‌گویند واقعیت همیشه تلخ است، تعبیر غلطی است. اگر این آگاهی را داشته باشیم که از حجاب واقعیت عبور کنیم، آن‌وقت خواهیم دانست که پشت هر واقعیت تلخی یک حقیقت شیرین نهفته است. تلخ‌بودن واقعیت قبل از آنکه حقیقت باشد، نشانه ناآگاهی ما نسبت به ماهیت و حکمت آن واقعیت است.

کار با وجود اینکه می‌توانستید فیلم را در یکی از سرگروه‌های سینمایی اکران کنید، چرا «هنر و تجربه» را انتخاب کردید؟ فیلم شما با چه مشخصه‌هایی یک اثر مناسب برای هنر و تجربه محسوب می‌شود؟

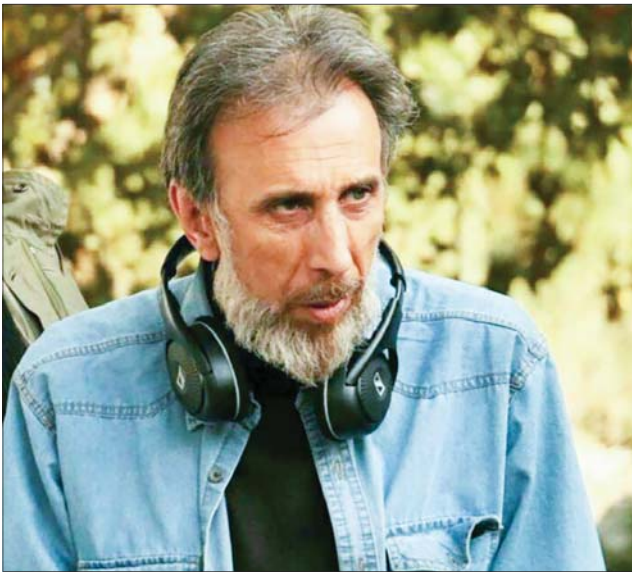
این فیلم با پروانه ساخت سینمایی تولید شده و پروانه نمایش آن هم برای اکران عادی بود، اما متأسفانه با شناختی که از سلیقه مخاطبان سینما و گردانندگان حوزه اکران داریم، تصمیم گرفتیم آن را در «هنر و تجربه» اکران کنیم و خود را درگیر مسائل پیچیده اکران نکنیم.

کار در نقش اصلی و کلیدی فیلم که پیام و ساغر هستند، به دو بازیگر متفاوت از نظر جنس بازی‌شان سپرده شده‌اند. پیام دهکردی یک تئاتری با بیان و بدن به‌اصطلاح تئاتری است و مرتضیه وقامهر پیش از این تجربه بازیگری چندانی نداشته، اما متعلق به خانواده سینماست. قرار دادن این‌ دو در کنار یکدیگر بر اساس چه تفکری صورت گرفته است و چه جنس بازی را از آنها انتظار داشتید؟

پیام دهکردی و توانایی‌های او را همگی روی صحنه دیده‌ایم. بله او به‌شدت بازیگری توانا و تکنیکی است. هر دو تلاش زیادی کردیم، اما می‌دانستیم که تمرین‌ها و تحلیل‌های من شاید او را

گفت‌وگو با حسین شهابی، کارگردان فیلم «بی‌صدا»

نگاهی واقعی به بیماری سرطان



به آن درجه از رئالیسمی که مدنظرم است، نرساند. بنابراین قرار دادن یک بازیگر غیرتکنیکی در برابر او، خود تاکتیکی بود که برای خنثی‌کردن قدرت بازی دهکردی در نظر گرفته شد. هرچند این دوگانگی جنس بازی‌ها برایم ریسک بزرگی بود و مدام نسبت به نتیجه کار نگران بودم، اما با همه کاستی‌ها، در نهایت نتیجه کار برایم رضایت‌بخش بود.

کار نام فیلم چرا از «دوران سرطانی» به «بی‌صدا» تغییر کرد؟ دوران سرطانی مؤید مضمون فیلم بود؛ اما «بی‌صدا» براساس چه دیدگاهی انتخاب شده است؟

دوران سرطانی بهترین اسم برای این فیلم بود؛ اما خب با این اسم مخالفت کردند و به نظر باید آنها توضیح دهند که چرا مخالفت کردند. من اهل مخالف‌خوانی نیستم؛ اما این میزان ترس و وسواس که دیگر از متن فیلم‌نامه به اسم آن رسیده، مایه تأسف است.

کار آیا خود شما تماشاای فیلم را به یک بیمار مبتلا به سرطان پیشنهاد می‌کنید؟

بله و این پیشنهاد را خیلی جدی مطرح می‌کنم! فیلم‌نامه این فیلم با یک تحقیق و پژوهش طولانی و با همکاری انستیتوی سرطان ایران نوشته شده و مورد تأیید آنها نیز بوده است.

کار «بی‌صدا» فیلم پردیالوگی است. آیا این حجم از دیالوگ ضرورت قصه بود یا می‌خواستید تک‌لوکیشن بودن اثر کمتر به چشم آید؟

راستش هر دو، صد دقیقه حرکت مداوم در یک محیط ۵۰متری می‌توانست سرکیچه‌آور باشد و از آنجایی‌که در این فیلم قصد استفاده از تکنیک فاصله‌گذاری و سکوت‌های طولانی را نداشتیم؛ بنابراین دیالوگ در این فیلم نقش مهمی دارد. یکی برای گریز از زاویه‌های تصویری تکراری و دیگری برای القای مفاهیمی که شاید از نظر من هیچ‌گونه معادل تصویری برایش وجود نداشت.

کار نکته جالب درباره «بی‌صدا» دوری آن از قصه‌های خن‌نماینده و کلیشه‌های مضمونی نظیر

خیانت و مناسبات غیراخلاقی میان آدم‌های قصه است. درست در بخش‌هایی که شاید تماشاگر براساس عادت ذهنی خود انتظار دارد شاهد یک خیانت یا دست‌کم یک شیطنت به لحاظ نوع پیشبرد داستان باشد، از آن امتناع کردید. چرا؟

من نمی‌خواهم و نمی‌توانم در فیلم خودم تعریف کنم و حالا که شما این نکته را مثبت دیده‌اید، بگذارید همین‌گونه بماند (با خنده). البته درباره موضوع مناسبات انسانی در سینما حرف‌های زیادی را می‌توان مطرح کرد.

کار چرا نویسندگی، شغل شخصیت اصلی داستان است؟ آیا داشتید کنایه سیاسی می‌زدید؟

تقسیم ویژگی‌های مدنظر من برای شخصیت اصلی مناسب‌ترین شغل بود، گفت‌وگوی او با شاگردانش نیز این موقعیت را به وجود می‌آورد که آنچه را نمی‌توان دید، در این بخش شنید و تجزیه و تحلیل کرد. اهل کنایه‌های سیاسی نیستم؛ اما در بطن هر کنایه سیاسی قضایوتی وجود دارد.

کار چه نوع قضایوتی؟

باورم این است که در پس هر مشکل سیاسی-اجتماعی یک مشکل اساسی‌تر انسانی نهفته است. من همیشه از این زاویه به مسائل نگاه کرده‌ام و تا حد توان از قضاوت‌گری دوری می‌کنم.

کار در میان هجمه فیلم‌های کم‌دی عمدتاً سفید جقدر به موفقیت در اکران فیلم‌تان امیدوار هستید؟

فقط می‌توانم امیدوار و البته واقع‌بین باشم.

کار شما هم به جریان واپس‌زدگی ذائقه مخاطب مثل بسیاری از هم‌تایان‌تان معتقدید؟ به‌راستی چه عاملی در درجه اول باعث افت کیفی تولیدات سینمایی و افت سلیقه مخاطبان سینما شده است؟ مخاطبان جواب این سؤال کسانی هستند که عامدانه و با تلاش‌های بسیار این وضعیت را به وجود آورده‌اند. کسی را که خوابیده، می‌توان بیدار کرد؛ اما آنکه خود را به خواب زده، نه! بنابراین جواب مفصل دادن به این پرسش مانند آب‌ریختن به روی آتش است و شاید هم بدتر.

کار معضلات اجتماعی به‌ویژه در فیلم‌های اخیر شما برجسته مطرح می‌شوند و تم اصلی داستان قرار می‌گیرند. انتخاب بعدی‌تان چه خواهد بود؟ انتخاب بعدی من دوباره یک موضوع اجتماعی است. حدیث یک نفس تا جایی که من را به علت و معلول اجتماعی خود درگیر نکند، برایم جذابیت دراماتیکی ندارد. من حتی یک نگاه طبیعت‌گرای شاعرانه را نیز در دل جامعه هرچند کوچک انسانی جست‌وجو می‌کنم. حتی اگر وانمود می‌شود که این دو با هم در تناقض‌اند، که نیستند.

نگاهی به فیلم «ناگهان درخت» به کارگردانی صفی یزدانیان

هیچ چیزش ناگهانی نیست

دریغا عشق... که شد و باز نیامد. همه چیز می‌تواند

در امنیت صندوقچه خاطرات به حرف بیاید یا با فشار دکمه‌ای خاموش شود؛ دکمه‌ای که در دنیای واقعی کار نمی‌کند.

کالیا دوست جوانی مادر از قاب تگ خود بیرون می‌آید و پیوند می‌خورد به سایه شاعر؛ عاشقی از دورانی دیگر. کالیا، ایماز عشق در روزگاری دیگر، روزگار جوانی مادر. کارگردان که تا به این حد مادر را ساخته و پرداخته، چطور است که مهتابش چنین کم‌فروغ است. چرا از زن نمی‌گوید؟ این چگونه عشقی است که هیچ ایمازی پیدا نمی‌کند؟

بین آنان چه گذشته است که زن چنین بی‌چهره باقی می‌ماند؟ زن صادر نمی‌شود. نمی‌خواهد. نمی‌تواند. بلا تکلیف است. سرگشته است.

مهتاب، ایماز عشق در روزگاران جدید. در فیلم‌های صفی همیشه کسی در سفر است.

مسافری می‌آید و کسی به سفر می‌رود. رفته‌ها و نرفته‌ها مقصد آخرشان رشت است؛ رشتی که خود



تور دوست دارم؛ پس تو را قاب می‌کنم و از جهان این برای من کافی است؛ قاب‌هایی از آن خود.

زیر درختان زیتون

اسکار بهترین فیلم به «کتاب سبز» رسید



● فیلم «کتاب سبز» (Green Book) به کارگردانی پیتز فارلی، برنده جایزه اسکار بهترین فیلم نودویکمین دوره جوایز سالانه آکادمی علوم و هنرهای سینمایی شد. این فیلم در دو بخش بهترین فیلم‌نامه غیراقتباسی و بهترین بازیگر مرد مکمل جایزه گرفت. «کتاب سبز» سپتامبر امسال با دریافت جایزه فیلم برگزیده تماشاگران یا جایزه انتخاب مردم در جشنواره فیلم تورنتو، نام خود را به‌عنوان یکی از مدعیان جدی جوایز اسکار مطرح کرد. این فیلم در هفتادوشمین دوره جوایز سالانه کلدن‌گلوب سه جایزه، از جمله جایزه بهترین فیلم موزیکال یا کم‌دی، بهترین فیلم‌نامه و بهترین بازیگر مرد مکمل (علی) را دریافت کرد و در سی‌امین دوره جوایز سالانه انجمن تهیه‌کنندگان آمریکا جایزه داریل اف. زانوک، بهترین تهیه‌کننده سال را گرفت. اعطای جایزه بهترین فیلم به کتاب سبز با واکنش تند اسپیکال لی، کارگردان «کولکلاکس‌کلان سیاه‌پوست» (BlackKkKlansman) همراه بود که فیلمش در شش بخش، از جمله جایزه بهترین فیلم و بهترین کارگردانی نامزد بود. گفته می‌شود او پیش از اینکه سازندگان کتاب سبز برای دریافت جایزه روی صحنه بروند تلاش کرد مراسم را ترک کند.

لی بعد از مراسم به خبرنگاران گفت: انگار من نفرین شدام. هروقت کسی سوار چیزی می‌شود، من می‌بازم. حرف‌های کارگردان سیاه‌پوست به فیلم بسیار موفق او، «کار درست را انجام بده» اشاره داشت که در ۱۹۹۰ جایزه اسکار بهترین فیلم‌نامه را به «رانندگی برای خانم دیزی» و «گادگار کرد. باین‌حال لی امسال به‌عنوان یکی از فیلم‌نامه‌نویسان «کولکلاکس‌کلان سیاه‌پوست» برنده جایزه اسکار بهترین فیلم‌نامه اقتباسی شد. گفته می‌شود جردن پیلی، کارگردان و نویسنده فیلم برنده اسکار «برو بیرون»، هم بعد از اعلام نام کتاب سبز واکنشی مشابه نشان داد و دست نزد. انتقادها ظاهراً در واکنش به جنجال‌های مربوط به قالب روایی فیلم است که مثل همیشه یک ناجی سفیدپوست را شامل می‌شود. تعدادی از اعضای خانواده دکتر شرلی که کتاب سبز بر مبنای زندگی او ساخته شده است، پیش از این آشکارا از فیلم انتقاد کرده‌اند. برخی از رفتارها و صحبت‌های نیک والهولنگا، یکی از فیلم‌نامه‌نویسان و خود پیتز فارلی، کارگردان، در سال‌های گذشته نیز با انتقادهایی روبه‌رو شده است. فیلم زندگی‌نامه‌ای «حامسه‌کلوی» (Bohemian Rhapsody) به کارگردانی بریان سینگر که در پنج بخش نامزد اسکار بود، با دریافت چهار جایزه دیگر فیلم موفق این دوره جوایز اسکار بود.



رامی مالک برای بازی در نقش فردی مرکوری، خواننده گروه کوئین در فیلم، جایزه اسکار بهترین بازیگر مرد را از آن خود کرد. حامسه‌کلوی در سه بخش فنی بهترین تدوین، بهترین تدوین صدا و بهترین صداگذاری هم برنده شد. فیلم «سایاوسفید «رما» (Roma) به کارگردانی آلفونسو کوارون، فیلم‌ساز مکزیک‌کی که در ۱۰ بخش شانس دریافت جایزه اسکار را داشت، در سه بخش بهترین کارگردانی، بهترین فیلم‌برداری و بهترین فیلم خارجی‌زبان برنده جایزه شد که هر سه جایزه به کوارون رسید. فیلم ابرقهرمانی «بلک پنتهر» (Black Panther) از شرکت‌های دیزنی و مارول که در هفت بخش نامزد بود، جوایز سه بخش بهترین طراحی صحنه، بهترین، طراحی لباس و بهترین موسیقی را از آن خود کرد. البویسا کلمپا برای بازی در کم‌دی تاریخی «سوکلی» (The Favourite) به کارگردانی یورگوس لانتیموس، جایزه اسکار بهترین بازیگر زن را گرفت. داستان فیلم در اوایل قرن هجدهم در دوران جنگ بین انگلستان و فرانسه روی می‌دهد و درباره رقابت دو عضو فامیل ملکه آن است که هر دومی می‌کوشند سوکلی دربار باشند. رجنیا کینگ برای بازی در فیلم «از بیل استریت زیان داشت» (If Beale Street Could Talk) ساخته بری جنکینز، جایزه اسکار بهترین بازیگر زن مکمل را دریافت کرد. «ستاره‌ای متولد می‌شود» (A Star Is Born) به کارگردانی بردلی کوپر که هشت نامزدی کسب کرده بود، در بخش بهترین ترانه برای «سطحی» برنده اسکار شد. لیدی گاگا، مارک راسن، آنتونی زاماندو و اندرو وایات جایزه این بخش را گرفتند. «معاون» (Vice) ساخته آدام مکی که هشت نامزدی کسب کرده بود، جایزه بهترین چهره‌پردازی و مورا برد. جایزه بهترین فیلم بلند انیمیشن به «اسپایدرمن: در اسپایدرورس» (Spider-Man: Into the Spider-Verse) از شرکت سونی پیکچرز انیمیشن رسید و «Free Solo» به کارگردانی الیزابت چای واسارهی، جیمی چین جایزه بهترین مستند بلند را دریافت کرد. ریکا زهانچی، کارگردان ایرانی-آمریکایی، هم برای «Period. End of Sentence» اسکار بهترین مستند کوتاه را دریافت کرد.